

The Comparative Study of Color in Authored and Translated Children Story Books in Iran on Painter (2008)

S. Meghdari¹

تحلیل تطبیقی رنگ در کتاب‌های داستانی نوشته‌شده و ترجمه‌شده به فارسی برای کودکان براساس الگوی پیتر (۲۰۰۸)

صدیقه سادات مقداری^۱

چکیده:

Abstract:

Today, Children's books are considered as one of the mass media devices for them in multiple types of educational, artistic, cultural and other ones that children are dealt with. Considering their age, children are not experienced enough to evaluate and analyze the books contents and distinguish appropriate from inappropriate images which plays a more important role than the text in this period. Because the pictures in Children's books are an inevitable part that visualize the text for children. Then the pictures attractiveness or their repel can motivate them to study or not. The color of images is among the most important factors influencing children. In this paper the method proposed by Painter (2008) is selected for color analysis, 4 book written in Persian and 4 books translated into Farsi related to the age group A and B are examined. The selected books are equalized regarding their subjects (pertinacity, screaming, impoliteness, inappropriate diet). Data analysis showed that generally there were not obvious and significant differences in choice of colors for the images of children in the authored and translated stories.

Keywords: Children's Literature, Picture Books, Visual Representation, Color Analysis.

کتاب‌های کودکان یکی از وسایل ارتباط جمعی برای آنان محسوب می‌شود که کودک با آنها سروکار دارد. چون کودکان هنوز تسلط کامل بر ارزشیابی محتوای کتاب‌ها را ندارند، تصاویر نسبت به متن نقش پررنگ‌تری را در این دوره ایفا می‌کند. چراکه تصویرسازی کتاب کودک که به معنای مصورساختن متن از لحاظ مطلب و مفهوم است از ملزومات کتاب کودک محسوب می‌شود. بنابراین، گیرایی یا عدم گیرایی تصاویر می‌تواند سبب گرایش یا عدم گرایش کودک به مطالعه شود. به همین دلیل ارزیابی و تحلیل آنها و تمیز دادن تصاویر مناسب از نامناسب نقش مهمی در این امر ایفا می‌کند. رنگ در تأثیرگذاری تصویر از جمله مهم‌ترین عوامل است. بنابراین، در این تحقیق ضمن معرفی الگوی پیتر (۲۰۰۸) که الگوی مناسب برای تحلیل رنگ می‌باشد، چهار کتاب فارسی و چهار کتاب ترجمه شده به فارسی مناسب گروه سنی الف و ب از این منظر بررسی می‌شوند. تلاش شد تا کتاب‌های مورد مقایسه از نظر موضوعی در فارسی و ترجمه یکسان باشند، پس به طور کلی کتاب‌های داستانی با موضوع آموزش‌های رفتاری کودک، از جمله لجبازی، بی‌ادبی، تغذیه نامناسب و جیغ کشیدن در نظر گرفته شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که تفاوت بارز و معنی‌داری در انتخاب رنگ برای تصاویر کودک در داستان‌های فارسی و ترجمه‌شده به فارسی مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودک، کتاب‌های مصور، بازنمایی بصری، تحلیل رنگ.

1. Assistante Professor at Payame Noor University.

s_meghdari@pnu.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه پیام‌نور.

مقدمه

ادبیات کودک می‌تواند از نظر عاطفی، ارزش‌ها و معیارها برای مخاطب خود ارزشمند باشد. قصه و داستان، بستری مناسب برای انتقال مفاهیم گوناگون و از جمله مهارت‌های زندگی به کودک و نوجوان است. رشد ذهنی کودک باید هم‌پای رشد جسمی او مدنظر قرار گیرد. بنابراین، باید داده‌های متناسب با سن کودک در هر مرحله از رشدش در اختیار او قرار گیرد تا او بتواند آنچه را در اختیارش قرار می‌گیرد را خوب دریافت و هضم و جذب ذهنش کند. تصویرهای رنگی در کتاب‌ها و نشریه‌های ادبیات کودکان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. کودکان در عالمی کاملاً بصری زندگی می‌کنند. آنها بیشتر اوقات قادر نیستند شکل چیزی را که درباره‌اش می‌شنوند در ذهنشان تصور کنند. بنابراین، ممکن است حتی کلمات ساده هم برایشان عجیب باشد. کودکان برای کاوش در محیط اطراف و فهم دنیا، از شکل ظاهری اشیاء یا بازنمایی بصری آنها بهره می‌گیرند.

چند شگرد اساسی که در فرایند آفرینش ادبیات از آنها سود برده می‌شود، یکی موسیقایی کردن زبان و دیگری شگرد تصویری کردن زبان است. با آهنگین کردن زبان، نه تنها بین زبان ادبی و زبان عادی فاصله‌گذاری می‌شود، بلکه حس خوشایندی در مخاطب بیدار می‌شود. حسی که هر آهنگ کلامی و غیرکلامی روی انسان می‌گذارد. با تصویری کردن زبان، تفاوت بین زبان ادبی و زبان عادی عمیق‌تر و مشهودتر می‌شود. (محمدی، ۱۳۷۵: ۱۴) در واقع، مصور ساختن متون ادبی، بُعد عاطفی این متون را

برجسته‌تر می‌سازد. تهیه انواع کتاب‌های مصور، برای لذت بردن کودکان خردسال، از بهترین راه‌های بالا بردن شعور بصری آنها، جدا از دنیای پیرامون و تصاویر ناپایدار تلوزیونی است. از آنجایی که شخصیت، زیبایی و زندگی در تصاویر کتاب‌های کودک در واقع گوشه‌ای از شخصیت، زیبایی و زندگی واقعی کودکان است، پس نمی‌توان تأثیر تصاویر را نادیده گرفت. علاوه بر جنبه ظاهری و جاذبه‌برانگیز آنها، تصاویر یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل انتقال ارزش‌ها و مفاهیم مورد نظر نویسنده هستند. همچنین، عمده‌ترین عامل بی‌نیازکننده نویسنده از توضیحات و توصیف‌های پر طول و تفصیل و یاور او در رعایت ایجاز هر چه بیشتر در داستان هم هست. بنابراین، کارشناسان ادبیات کودک همواره تصویر را در پیوند با متن بررسی می‌کنند و کتاب‌های تصویری را گونه‌ای از ادبیات کودک می‌دانند. (قاینی، ۱۳۹۱) عناصر دیداری سازه‌هایی از تصویر هستند که بار اصلی انتقال موضوع و مفهوم تصویر را به عهده دارند و به سادگی می‌توان آن را در یک تصویر یافت. خط، شکل (فرم)، رنگ، بافت و ترکیب‌بندی مهم‌ترین این عناصر به شمار می‌آیند. شناخت ساختار این عناصر به هنرمند کمک می‌کند تا در به کارگیری روشمند آنها، با آگاهی و تسلط بیشتری رفتار کند. (حسن‌پور، ۱۳۸۸: ۴۰) «رنگ کامل‌کننده خط و شکل در آفرینش تصویر است. افزون بر امکانات زیبایی شناسی‌ای که رنگ در تصویر ایجاد می‌کند، پیدایش احساس و عاطفه در نمایش رنگ هدفی است که تصویرگر به آن توجه نشان می‌دهد. نقش رنگ بیش

نوجوان معرفی شده و سپس برای بررسی کارایی آن در زبان فارسی به طور عملی داستان‌هایی از دو گونه نوشته شده به فارسی و ترجمه شده به فارسی تحلیل شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل چهار کتاب نوشته شده به فارسی و چهار کتاب ترجمه شده به فارسی مرتبط به گروه سنی الف و ب می‌باشد. در این تحقیق تلاش شد تا کتاب‌های مورد مقایسه از نظر موضوعی یکسان باشند. اولاً به طور کلی کتاب‌های داستانی با موضوع آموزش‌های رفتاری کودک در نظر گرفته شد و ثانیاً کتاب‌های نوشته شده به فارسی و ترجمه از نظر موضوع نیز همگن انتخاب شدند (لجبازی، بی ادبی، تغذیه نامناسب و جیغ کشیدن)، تا تأثیر موضوع بر انتخاب رنگ خنثی گردد. بعضی موضوعات در انتخاب رنگ مؤثر می‌باشند. مثلاً در داستان‌های مرتبط با جنگ تحت تأثیر موضوع جنگ، رنگ‌ها آمیزه‌ای از رنگ‌های سرد و گرم هستند که از نظر درخشندگی مات و تیره می‌باشند و میزان آشنایی آنها نیز پایین و محدود به چند رنگ مات است. یعنی رنگ‌هایی مانند سبز تیره، سیاه، آبی تیره، قهوه‌ای، نارنجی مات و قرمز تیره. (مقداری، ۱۳۸۵: ۱۶۵) داده‌های این تحقیق به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: شوشو شکمو (ترجمه)، هله هوله ضرر داره، واسه حسنی خطر داره (نوشته شده به فارسی)، بیدی بی ادب (ترجمه)، قلی پسر بازیگوش (نوشته شده به فارسی)، لی لی لجبازه (ترجمه)، حسنی بهانه‌گیر شده (نوشته شده به فارسی)، جی جی جیغ جیغو (ترجمه) و فلفلی و شیطونک جیغ و داد (نوشته شده به فارسی). در ادامه پس از ارائه پیشنهاد تحقیق، به معرفی این الگو می‌پردازیم.

از همه با عواطف و احساسات بشر نزدیکی دارد و در هنر بیش از هر چیز حسی و برانگیزاننده است. (اکرمی، ۱۳۸۹: ۷۸)

همان‌طور که می‌دانیم در کتاب‌های کودک که اغلب تصویری می‌باشند، تصویر در مقایسه با متن در القای معنا نقش مهم‌تر و برجسته‌تری دارد. چراکه اغلب کودکان به تصاویر بیش از محتوی متنی کتاب توجه و علاقه نشان می‌دهند. هرچند واکنش عاطفی کودکان می‌تواند به خاطر عوامل متعددی باشد مانند سبک تصویرپردازی که می‌تواند واقعی یا فانتزی باشد، اما احتمالاً مهم‌ترین جنبه برای ایجاد زمینه عاطفی رنگ‌پردازی تصاویر می‌باشد. (پیتر، ۲۰۰۸: ۸۹)

اهمیت و ضرورت این تحقیق با توجه به قشر مخاطب و هدف آن یعنی کودکان گروه سنی الف و ب (کودکان از دوسالگی تا هفت سالگی) مشخص می‌شود. سنی که کودکان هنوز سواد خواندن نداشته و از طریق تصاویر، مخصوصاً رنگ‌های به‌کار برده شده در آن با داستان ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین، با انجام تحقیقات نظام‌مند در مورد تحلیل تصاویر می‌توان با اتخاذ روش‌های آگاهانه در استفاده صحیح از رنگ در تصویرگری کتاب کودک، به نتایج بهتری برای جذب مخاطب کودک و ایجاد علاقه‌مندی وی به کتاب رسید. از آنجا که برای تحلیل رنگ در تصاویر در زبان فارسی الگوی کارآمدی معرفی نشده و بیشتر تحلیل‌ها محدود به تحلیل روانشناختی رنگ‌ها بوده است (نیکوسخن، ۱۳۹۲) و کمتر به جنبه نشانه-معناشناختی تحلیل رنگ در چارچوب یک نظریه معنایی پرداخته شده است، لذا در این تحقیق الگوی پیتر (۲۰۰۸)، به عنوان الگویی مناسب جهت تحلیل رنگ در کتاب‌های تصویری مخصوصاً آثار کودک و

پیشینه پژوهش

پژوهشگری (۱۳۷۴) در پایان‌نامه‌اش با عنوان ملاک‌ها و معیارهای نقد و نقادی در آثار تصویرگری کتاب کودک، ویژگی‌های یک تصویر خوب را به طور مفصل بیان کرده است. خوانساری (۱۳۷۷) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی کیفیت تصویر در کتاب‌های شعر کودکان ۱۲-۷ سال منتشرشده در سال‌های ۷۴-۷۰، به تحلیل ۳۴ اثر در حوزه ادبیات کودک می‌پردازد. هدف این پژوهش دستیابی به حدود و ارتباط تصویر با متن اشعار در کتاب‌های مورد بررسی و مشاهده دقیق میزان انتقال پیام اشعار توسط تصاویر و چگونگی کیفیت آنها بوده است. حسن‌پور (۱۳۷۷) پایان‌نامه خود را با عنوان بررسی آثار تصویرگران کتاب کودک انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارائه نموده است. صفحه‌آرایی کتاب‌های کودکان و همین‌طور طرح جلد و طراحی حروف در کتاب‌های کانون موضوع مورد بررسی در این پایان‌نامه است. وی همچنین به بررسی آثار تصویرگران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. پورجم (۱۳۸۱) پایان‌نامه دوره کارشناسی خود را با عنوان تاریخچه و بررسی تصویرسازی کتاب کودک در ایران از شروع فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۵ ارائه کرده است. موضوع اصلی این پژوهش اثری است که فعالیت هنرمندان کانون، بر تصویرگری کتاب کودک در ایران گذاشته و ارائه تحلیلی از تلاش تصویرگران برای ابداع و خلق سبکی تازه و خاص است. اکرمی (۱۳۸۴) در مقاله-ای به بررسی تصویرگری در آثار انتشارات کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته است. در این مقاله بررسی آثار تصویرگران کانون در سال‌های نخست دهه ۸۰ مد نظر بوده است. عبداللهی (۱۳۸۲) در پایان‌نامه‌اش با عنوان نقش تصویر در پرورش تخیل کودکان بیان می‌کند که یک تصویر مناسب می‌تواند قدرت تخیل و تجسم کودک را تقویت کند. از طریق تصویر می‌توان کودکان را علاوه بر مسائل فرهنگی با مفاهیم اجتماعی آشنا کرد. تصاویری که دارای کلیشه‌های کمتری هستند، تأثیر بیشتری بر کودکان می‌گذارند. صدری (۱۳۶۶) پایان‌نامه خود را با عنوان بررسی کیفیت تصویر در کتاب‌های تصویری کودکان ایران ارائه کرده است. در این پایان‌نامه به بررسی تصویر براساس رنگ و سبک و انتخاب وسیله، نحوه ارائه، حالت و حرکت تصویر و بسیاری از عوامل دیگر پرداخته است. کوثر احمدی (۱۳۷۳) نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی تصویرسازی در کتاب‌های کودکان ارائه کرده و به بررسی چگونگی ارتباط کودک با تصاویر کتاب‌ها و شرح مسائل فنی و اجرایی و اهمیت عناصر فرعی و نقش دیگر عناصر حاشیه‌ای در تدوین و ساخت یک تصویر خوب کتاب پرداخته است.

هاناباس^۱ (۱۹۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «منابع اطلاعاتی برای تصاویر کتاب‌های کودکان» یادآور می‌شود که تنوع زیاد تصویرگری کتاب‌های کودکان در گذشته و حال اکثر سلیقه‌ها را ترغیب نموده است. اکثر افراد به بررسی‌های مرتبط به گذشته یا بررسی‌های عمومی علاقه نشان داده‌اند. بعضی موارد هم جنبه آکادمیک داشته‌اند که این امر باعث شده در پروژه‌های دانشجویی اشکال مختلف پژوهش نمود

الگوی تحلیل رنگ پینتر (۲۰۰۸)

کلر پینتر^۴ از استادان بخش زبان انگلیسی دانشگاه نیوسوسویلز^۵ است. تحقیقات وی بیشتر در زمینه دستور نظام مند نقشی و تحلیل گفتمان چندرسانه‌ای می‌باشد. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به پینتر (۲۰۰۷) اشاره کرد که در این مقاله به روایت‌های تصویری در کتاب‌های کودکان می‌پردازد. پینتر (۲۰۰۸) دومین مقاله‌ای است که در آن به نقش رنگ در کتب تصویری کودک توجه شده است و در این مقاله الگوی حالت برای بررسی رنگ ارائه شده است. الگویی که مورد بحث مقاله حاضر می‌باشد. پینتر و همکاران (۲۰۱۲) کتابی است با عنوان خواندن روایت‌های بصری، تحلیل تصویر در کتب تصویری کودک، که مؤلفان آن تلاش کرده‌اند تا الگوی کامل-تر و عملی‌تری را از الگوی کرس و ونلیون (۲۰۰۶) برای تحلیل تصاویر ارائه دهند. بخش تحلیل رنگ تصاویر در این کتاب همین الگوی پینتر (۲۰۰۸) است.

در واقع الگوی تحلیل رنگ پینتر بسط مباحثی است که کرس و ونلیون (۲۰۰۶) در مورد تحلیل رنگ مطرح کرده‌اند. کرس و ونلیون (۲۰۰۶: ۱۱-۲) اذعان می‌دارند که رنگ منبع بصری است که می‌تواند مبین هر سه فرانش اندیشگانی، متنی و بینافردی باشد که توسط هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) برای تحلیل کلام در چارچوب نظریه نظام‌مند-نقشی مطرح شد. نظریه هلیدی در تحلیل متون ادبی نیز بسیار مورد توجه بوده است. از جمله آقاگل‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی» با

پیدا کند. تیت^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «توصیف مراحل نوشتن و تصویرگری کتاب‌های تصویری کودکان»، به بحث درباره ویژگی‌های تصاویر خوب و مناسب در کتاب‌های تصویری برای کودکان ۵-۸ ساله می‌پردازد. رابین^۲ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه توصیفی از چگونگی به تصویر کشیدن آمریکایی-آفریقایی‌ها در کتاب‌های تصویری کودکان آمریکایی - آفریقایی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵» می‌گوید که کودکان دنیای اطراف خود را از طریق کتاب‌های درسی‌شان درک می‌کنند. بنابراین، نحوه تصویرپردازی یک گروه از افراد به گونه‌ای خاص و متفاوت می‌تواند بر درک کودکان از این گروه‌ها مؤثر باشد. اوارد^۳ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی دوباره به کتاب‌های مصور کودکان» نیز به بحث درباره اهمیت تصاویر می‌پردازد و ارزش تصویر را برابر با ۱۰۰۰ کلمه می‌داند. در اکثر تحقیقات ارائه شده در زبان فارسی که در آنها تصاویر کتب در کنار متون تحلیل شده‌اند الگوی کارآمدی معرفی نشده است و همان طور که گفته شد بیشتر تحلیل‌ها محدود به تحلیل روانشناختی رنگ‌ها بوده است و کمتر به جنبه نشانه-معناشناختی تحلیل رنگ در چارچوب یک نظریه معنایی پرداخته شده است. پس در این ضمن معرفی الگوی پینتر (۲۰۰۸)، به عنوان الگویی مناسب جهت تحلیل رنگ در آثار کودک و نوجوان، کارایی آن در زبان فارسی به طور عملی با تحلیل داستان‌هایی از دو گونه نوشته شده به فارسی و ترجمه به فارسی بررسی می‌شود.

1. Tate
2. Robin
3. Award

4. Clare Painter
5. New South Wales

و این معانی با همدیگر معناشناسی گفتمان یک متن را تشکیل می‌دهند و سه فرانش محسوب می‌شوند که عبارت‌اند از اندیشگانی، بینافردی و متنی. این فرانش‌ها با انتخاب کلمات و ساختار نحوی به وجود می‌آیند. موضوع متن با معنای اندیشگانی همراه است و با استفاده از الگوهای گذرایی^۸ مشخص می‌شود (مثل انواع فعل، ساختارهای معلوم و مجهول، شرکت‌کنندگان در فرایند و غیره). عامل سخن در متن با معنای بین شخصی همراه است و با استفاده از الگوهای وجهه‌نمایی^۹ مشخص می‌شود (مثل افعال وجهه‌نما مانند «باید» و قیدهایی مانند احتمالاً، قطعاً و غیره و واژه‌های ارزیابی‌کننده‌ای مثل زیبا، وحشتناک و سایر موارد مشابه. شیوه بیان متن با معنای متنی همراه است و با استفاده از الگوهای ساختاری مبتدا و خبر مشخص می‌شود (مثل ضمایره همشین‌ها و غیره). تحلیل فرانش‌ها مهم‌ترین جایگاه را در این مدل دارد. روابط فوق نشان می‌دهند که فرانش‌ها چگونه عمل می‌کنند و معنای متن چگونه حاصل می‌شود.

کرس و ونلیون (۲۰۰۶) این مدل را برای تحلیل تصاویر به کار بردند، از جمله برای تحلیل رنگ تصاویر. از نظر آنها کاربرد رنگ آن‌گونه که در دنیای بیرون می‌باشد مانند رنگ سبز برای چمن یا قرمز برای خون، مرتبط به نقش اندیشگانی می‌باشد. چنانچه از رنگ خاصی برای برجسته‌سازی یک شخصیت استفاده شود و یا یک رنگ به طور منسجمی در تصاویر یک داستان تکرار شود و آنها را به هم مرتبط سازد، به فرانش متنی ارتباط دارد. مثلاً

7. field
8. transivity
9. modality

اتخاذ روش تحلیلی - توصیفی، سعی کرده است با تجزیه و تحلیل یکی از غزلیات حافظ به توصیف نظریه نظام‌مند- نقشی هلیدی پردازد. در این مقاله، کارآمدی قابل توجه تحلیل بر مبنای نظریه نقش-گرایی هلیدی به عنوان یک روش تحلیل در پژوهش‌های ادبی توصیه شده است. تحلیل سه فرانش فوق در اشعار مولوی نیز مورد توجه بوده است. (صفرزاده، ۱۳۸۹) اما کرس و ونلیون (۲۰۰۶) از این نظریه برای تحلیل تصاویر بهره گرفتند. دستور نظام‌مند- نقشی هلیدی به معنا اهمیت و اولویت می‌بخشد و آن را در رأس مدل سه سطحی خود قرار می‌دهد که این سه سطح عبارت‌اند از: الف) معنی، ب) بیان و ج) نظام‌آوایی زبان. مفهوم معنا در نظریه، نظام‌مند - نقشی در سه فرا نقش تجلی می‌یابد: فرا نقش اندیشگانی^۱، فرا نقش بینا فردی^۲ و فرانش متنی^۳. در مدل هلیدی، ژانر تحت تأثیر محیط فرهنگی-اجتماعی است و خود سایر عناصر را در چارچوبی نظام‌مند تعیین می‌کند. اولین عنصر، سیاق^۴ است که خود دارای سه عنصر متغیر است:

- عامل سخن^۵: کسی که با کس دیگری رابطه برقرار کند مثل رابطه نماینده فروش با یک مشتری.
- شیوه بیان^۶: شکل ارتباط است، مثلاً شکل نوشتاری.
- موضوع سخن^۷: موضوعی که درباره آن چیزی نوشته شود هر یک از این متغیرها معنایی دارد

1. ideational
2. interpersonal
3. textual
4. register
5. tenor
6. mode

باشد. مثلاً نمای نزدیک و رو در رو نشان دهنده کمترین فاصله اجتماعی و نمای دور بیشترین فاصله را نشان می دهد. کرس و نلیون (۲۰۰۶: ۱۲۹-۱۲۴) عوامل دیگری را نیز در تحلیل تصاویر مطرح می کنند، از جمله نگرش و تماس. منظور آنها از نگرش، موقعیت بیننده است که با توجه به چشم انداز^۲ تصویر می تواند ایجاد موقعیتی کند که لازم باشد شخصیت داستان از زاویه خاصی ارائه شود. ارائه شخصیت از زوایای مختلف باعث می شود که میزان درگیر شدن^۳ بیننده با شخصیت کمتر یا بیشتر باشد. مثلاً چنانچه زاویه دید بیننده افقی باشد، یعنی شخصیت های داستان از روبه رو ارائه شوند، بیشترین میزان درگیری با شخصیت ایجاد می شود. علاوه بر نگرش، میزان تماس نیز از دیگر عواملی است که در تحلیل تصاویر نقش دارد. منظور از میزان تماس این است که تا چه حد شخصیت های مختلف یک داستان نزدیک یا دور از هم تصویر شده اند. که این میزان می تواند نشان دهنده میزان صمیمیت شخصیت ها باشد. اما چنانچه دقت شود همه این عوامل به نحوه تصویرپردازی شخصیت ها مرتبط هستند، صرف نظر از رنگی که در آنها به کار رفته است. همان طور که گفته شد کرس و نلیون (۲۰۰۶) در تحلیل رنگ تصاویر به ذکر سه فرانش اندیشگانی، متنی و بین فردی آنها بسنده کردند و برای تحلیل عملی نقش بین فردی رنگ که مهم ترین نقش آن محسوب می شود راهکاری ارائه نکرده اند. بنابراین، پیتر (۲۰۰۸) به این امر مهم توجه کرده و الگوی حالت رنگ را برای کامل کردن و عملی کردن تحلیل رنگ ارائه کرده است. این الگو در نمودار

در داستانی با موضوع محیط زیست، رنگ های طیف سبز می تواند به صورت معناداری در تصاویر خاصی (مثلاً لباس شخصیت های داستان) به کار رود و یا به طور معناداری تکرار شود. هرگاه از رنگ به گونه ای استفاده شود که باعث برانگیختن عواطف خاصی در بیننده شود، فرانش بین فردی مطرح می شود. مثلاً استفاده از رنگ های تیره برای شخصیت های منفی داستان. الگوی پیتر (۲۰۰۸) در واقع بسط بیشتر فرانش بین فردی است که شامل مواردی می شود که رنگ باعث ایجاد حالت خاص^۱ می شود. مثلاً تصویری که آکنده از رنگ های روشن می باشد، اثر بسیار متفاوت تری بر بیننده دارد تا تصویری که در آن از رنگ هایی با نمای تیره و منفی استفاده شده است و باز این اثر متفاوت است در مورد تصویری که با خطوط سیاه روی یک زمینه سفید طراحی شده است و فاقد رنگ می باشد که از منظر این الگو فاقد بازخورد احساسی است و مانند نوشته سیاه بر روی صفحه سفید باعث برانگیختن حس خاصی در مخاطب نمی شود. این تفاوت ها به خاطر محتوی تصویر یا سبک تصویرپردازی نمی باشد، بلکه صرفاً به خاطر عکس العمل به رنگی است که در تصاویر به کار می رود. (پیتر و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۵) کرس و نلیون (۲۰۰۶: ۱۲۴) نظام های معنایی بصری را تعریف کردند که نشان دهنده رابطه بین بیننده تصویر و شخصیت مصور و نیز بین شخصیت های داستان می باشد، از جمله نظام معنایی فاصله اجتماعی. در این نظام، این امر که شخصیت داستان در یک نمای نزدیک و روبه روی بیننده ارائه شود، از دور و به صورت کامل و یا از نزدیک از شانه ها به بالا تصویر شود، می تواند نشان دهنده فواصل اجتماعی متفاوت

2. perspective
3. involvement

1. ambient

می‌شود. در ادامه هر یک از این معانی به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تصاویر بدون رنگ: عدم وجود بازخورد احساسی^۳ یا خنثی بودن آن

پیش‌فرض رنگ پشت زمینه سفید و پیش‌فرض نوشته‌های آن مشکی است. بیننده تأثیر احساسی خاصی از این گونه عامل دیداری دریافت نمی‌کند، چه متن باشد و چه طرحی ساده و بدون رنگ که با به کارگیری خطوط مشکی کشیده شده است. بنابراین، این‌گونه تصاویر بی‌نشان بوده و هیچ‌گونه فضای احساسی خاصی تولید نمی‌کنند (مگر اینکه ایدئولوژی خاصی مدنظر باشد) و در نهایت می‌توان گفت فاقد تأثیر احساسی هستند. چنین تصاویری، مخصوصاً برای ایجاد انگیزه در کودکان کمتر به کار می‌روند اما یک تصویر بدون بازخورد احساسی این فرصت را به بیننده بالغ‌تر می‌دهد که به جای توجه به ظاهر عوامل دیداری بیشتر توجهش به حس مشترک ایجادشده توسط تصویر و اندیشه‌ای که در پشت آن قرار دارد معطوف شود. (پیتتر و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۱)

در تصاویری که از سایه، هاشور و یا نقطه-گذاری استفاده شده است، تأثیر احساسی بیشتری دارند نسبت به طرحی که تنها یک طرح ساده است. یعنی طرحی با خطوط سیاه روی یک زمینه سفید که فاقد تأثیر احساسی می‌باشند. در عوض می‌توان تأثیر احساسی این تصاویر را خنثی فرض کرد. به منظور ایجاد این‌گونه تأثیر در ذهن بیننده

شماره ۱ خلاصه شده است. هر یک از موارد مطرح‌شده در آن، به طور جداگانه توضیح داده خواهد شد و مثال‌هایی نیز ارائه می‌شود.

منظور وی از برانگیزانندگی^۱ مرتبط با احساس بیننده از تصویر است که با توجه به نشانه‌شناسی سه بُعدی فضایی و نقش عواملی مانند رنگ، نور، بافت^۲ و موسیقی برای ایجاد فضای عاطفی خاص مطرح شده است.



نمودار ۱. میزان تأثیر رنگ بر برداشت بیننده تصویر (براساس پیتتر، ۲۰۰۸: ۹۲)

چگونگی انتخاب عوامل دیداری مؤثر در ایجاد فضایی تأثیرگذار به اختصار در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. در این الگو عامل دیداری و معنایی که در ذهن بیننده نقش می‌بندد نشان داده

3. Non- ambient

1. ambience
2. texture

می‌شود، نشان‌دهنده هیجان و انرژی بالاست. مانند استفاده از صدای بلند در متون صوتی. متونی از این دست که در آنها شدت رنگ زیاد است، متن‌های مرتعش نامیده می‌شوند. در حالی که متون چندرسانه‌ای که در آنها از رنگ‌های کم‌رنگ استفاده شده است، متون بدون ارتعاش نامیده می‌شود. مثل اینکه در متون صوتی، صدا قطع باشد. (همان: ۹۸)

حرارت^۳

معمولاً دیده شده است که انتخاب رنگ بر بینندگان تأثیرات احساسی متفاوتی دارد. به خصوص تفاوت بین رنگ‌های گرم و سرد. رنگ‌های گرم شامل طیف‌های مختلف رنگ قرمز، نارنجی و زرد است، در حالی که رنگ‌های سرد شامل طیف‌های مختلف رنگ آبی، سبز و نیلی است. رنگ‌ها علاوه بر زیبایی، بار اطلاعاتی نیز دارند.

در عین حال باید با توجه به رشد سنی کودک انتخاب شوند. کودکان رنگ‌های شاد، تمیز، پخته، جافتاده و خالص را دوست دارند. رنگ‌های چرک و خفه برای کودک دافعه دارند. (گروهی از نویسندگان وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۸۳)

خواص روانی رنگ‌ها و رابطه آنها با تصویر، تأثیر رنگ‌ها بر اعصاب انسان به صورت‌های گوناگون آزمایش شده است. رنگ‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گرم، سرد و خنثی. در ادامه تأثیر روانشناسی رنگ‌ها به اختصار بیان می‌شود. (همان: ۲۴-۲۳)

به‌کارگیری جلوه‌های نور مفید خواهد بود. تضادی که در تصویر به وجود می‌آید توجه بیننده را به خود جلب می‌کند. (همان: ۴۲)

تصاویر رنگی: برانگیزنده^۱

تصاویر معمولاً رنگارنگ و برانگیزنده احساسند. در این بخش، به چگونگی به‌کارگیری انواع مختلف رنگ و چگونگی تأثیر آن بر بیننده خواهیم پرداخت. ابتدا باید به رنگ مشکی به عنوان یک رنگ خاص اشاره کرد. پیشتر به پیش‌فرض رنگ سفید برای زمینه و رنگ مشکی به عنوان پیش‌فرض برای نوشته یا رنگ مشکی به عنوان پیش‌فرض برای نوشته یا طرح اشاره شد و گفته شد که میزان تأثیر آن بر بیننده کم است، اما برعکس این مسئله صدق نمی‌کند. در واقع منظور این است که زمینه مشکی و نوشته و یا طرح سفید بر روی آن مشابه‌دار است و در نتیجه برای بیننده حاوی پیامی خواهد بود و می‌توان گفت که برانگیزندگی در اینجا غیرفعال است و نه فعال. زمانی که رنگ‌های دیگر به غیر از مشکی در تصویر به کار رفته‌اند، می‌توان گفت که برانگیزنده احساسی فعال می‌باشند. مشخصه‌های مختلف یک رنگ می‌تواند آن را زیر مجموعه یکی از سه نوع ارتعاش، حرارت و آشنایی قرار دهد. این سه بخش بیشترین اثر را در برداشت بیننده دارد. (پیتر، ۲۰۰۸: ۹۴)

ارتعاش^۲

منظور از ارتعاش در تصویر میزان شدت رنگ است. متونی که در آنها از رنگ‌های پر رنگ استفاده

رنگ سفید نماد عفت، پاکدامنی، پارسایی، بی-گناهی و حقیقت است. مهم‌ترین جنبه نمادی آن، صلح و متارکه از جنگ است که پرچم سفید نیز همین معنی را می‌دهد.

رنگ سیاه، رنگ افسردگی، سنگینی و عمق است. در عین حال نماد رازداری، پوشیدگی و غم و اندوه نیز هست. این رنگ، هم آثار روانی مثبت دارد، هم منفی. (گروهی از نویسندگان وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۸۳)

آشنایی
در هنگام دیدن یک تصویر این سؤال پیش می‌آید که آیا مسئله‌ای که در تصویر نمایش داده شده است هر روز با آن سر و کار داریم و برایمان آشناست یا اینکه موردی است که مدت‌ها کنار گذاشته شده و فراموش شده است. پاسخ به این سؤال با دقت به تمایز رنگ‌ها که منظور همان گستره رنگ‌های به‌کار رفته شده است، امکان‌پذیر خواهد بود. وقتی از رنگ‌های بیشتری استفاده می‌شود حس آشنایی بیشتر به بیننده القا می‌شود، در صورتی که استفاده از طیف یک یا دو رنگ، مورد به تصویر کشیده شده را خیالی و خارج از رویدادهای آشنای روزمره نشان می‌دهد. (پینتر، ۲۰۰۸: ۱۰۱)

تحلیل رنگ در تصاویر داستان‌ها

توضیحات ارائه‌شده در این بخش حاصل بررسی دقیق رنگ‌ها با توجه به الگوی ارائه‌شده در نمودار ۱ و توضیحات ذیل آن است. مثلاً چنانچه فقط از

-رنگ‌های گرم: رنگ‌هایی چون زرد، نارنجی و قرمز را شامل می‌شوند. این رنگ‌ها را رنگ‌هایی مثبت، متجاوز و تهییج‌کننده می‌دانند.

- رنگ‌های سرد: شامل رنگ‌های بنفش، آبی و سبز هستند. این نوع رنگ‌ها، منفی، غیرمتجاوز، دوری‌گزین و کناره‌گیر و آرام و ساکت به شمار می‌روند.

- رنگ‌های خنثی: مثل سیاه، سفید و خاکستری و معمولاً اثری تا حدی اندوه‌بار بر ما می‌گذارند.

طیف رنگ‌ها نیز اثرات متفاوتی دارند. رنگ زرد روشن، رنگی است که روح دارد و کنایه‌ای از خورشید، خوشحالی، نشاط و گاه تقدس است. اطراف سر شمایل مقدسان اغلب هاله‌ای از رنگ زرد به نشانه نور دیده می‌شود.

رنگ زرد تیره و زرد خنثی یا مایل به سبز، رنگ‌هایی هستند که چندان مورد توجه و علاقه قرار نمی‌گیرند. زیرا معمولاً نشان‌دهنده بیماری، بی‌کمالی، حسادت، فریب و بی‌وفایی هستند.

رنگ قرمز، رنگی مثبت و تهییج‌کننده است. در اسلام، نماد شهید شدن و خون دادن در راه خداست.

رنگ آبی، رنگی صاف روشن، آرام و امیدوارکننده است و روی بیننده فشاری را تحمیل نمی‌کند. برعکس ذهن بیننده را به جاهای دور می‌کشاند، نگاه به آن احساسی از بی‌کرائگی در فرد ایجاد می‌کند.

رنگ سبز، نشان‌دهنده رضا، آرامش و امیدواری است و آمیزه‌ای است از دانش و ایمان. دیدن آن در فرد احساس جوانی و فرا رسیدن بهار را بیدار می‌کند.

می‌شود. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی مناسب می‌باشند.

فلغلی و شیطونک بیماری (نوشته شده به فارسی)

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش هستند. استفاده از رنگ‌های سرد سبز، قهوه‌ای و بنفش در پس‌زمینه و مشکی و آبی در کاراکتر اصلی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی متوسط می‌باشند.

بیدی بی ادب (ترجمه)

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. در پس‌زمینه از رنگ‌های سرد آبی، سبز، قهوه‌ای و خاکستری و در کاراکتر اصلی از رنگ‌های سرد قهوه‌ای و آبی استفاده شده است. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی کم هستند.

قلی پسر بازیگوش (نوشته شده به فارسی)

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. استفاده از رنگ سرد در پس‌زمینه (سبز/ بنفش/ قهوه‌ای/ خاکستری) و رنگ گرم در کاراکتر اصلی (قرمز/ زرد) مشاهده می‌شود. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی بالا می‌باشند.

حسنی بهانه‌گیر شده (نوشته شده به فارسی)

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. استفاده از رنگ‌های سرد در پس‌زمینه (سبز/ آبی/ بنفش/ قهوه‌ای) و رنگ‌های گرم در کاراکتر اصلی (قرمز) مشاهده می‌شود. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی متوسط می‌باشند.

خطوط مشکی روی زمینه سفید استفاده شود، فاقد بازخورد محسوب می‌شوند. چنانچه تصاویر رنگی بوده و دارای بازخورد احساسی باشند، لذا برانگیزنده محسوب شده و سه نوع ارتعاش، حرارت و آشنایی در مورد آنها مطابق توضیحات ارائه شده بررسی شده است. حاصل این بررسی‌ها در زیر به تفکیک هر داستان ارائه می‌شود.

فلغلی و شیطونک جیغ و داد (نوشته شده به فارسی)

رنگ‌های به کار رفته دارای بازخورد احساسی بوده، برانگیزاننده، فعال، بدون ارتعاش می‌باشند. از رنگ‌های سرد سبز، آبی و قهوه‌ای در پس‌زمینه و آبی و مشکی در کاراکتر اصلی استفاده شده است. رنگ‌ها آشنا بوده و از تفکر برانگیزی مناسب برخوردارند.

جی جی جیغ جیغو (ترجمه)

رنگ‌های به کار رفته با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. از رنگ‌های سرد در پس‌زمینه (بنفش/ سبز/ قهوه‌ای/ آبی) و رنگ‌های گرم در کاراکتر اصلی (زرد/ قرمز) استفاده شده است. رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی کم هستند. تضاد رنگی بالا و روشنایی متوسط می‌باشد.

شوشو شکمو (ترجمه)

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. استفاده از رنگ‌های گرم در پس‌زمینه (قرمز/ زرد/ نارنجی) و استفاده از رنگ‌های سرد در کاراکتر اصلی (قهوه‌ای/ سبز) مشاهده

لی لی لجبازه (ترجمه)

رنگ‌های به کار رفته در پس زمینه غالباً گرم است یا سرد؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
رنگ‌های گرم	-	۱
رنگ‌های سرد	۴	۳

رنگ‌های غالب کاراکتر اصلی گرم است یا سرد؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
رنگ‌های گرم	۳	۲
رنگ‌های سرد	۱	۲

آیا تصاویر کتاب‌های بررسی شده تفکر برانگیزند؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
کم	۱	۱
مناسب	۳	۳
زیاد	-	-

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن معرفی الگوی پینتر (۲۰۰۸) در فارسی برای تحلیل رنگ تصاویر به خصوص در آثار کودک و نوجوان، کارایی آن نیز در عمل با تحلیل رنگ تصاویر در داستان‌های نوشته شده به فارسی و ترجمه شده به فارسی نشان داده شد. با توجه به جداول هفت‌گانه بالا می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی تفاوت بارز و معنی داری در انتخاب رنگ برای تصاویر کودک در داده‌های این تحقیق مشاهده نشد. فقط در مورد کاربرد رنگ‌های گرم و سرد برای زمینه در کتاب‌های نوشته شده به فارسی، رنگ سرد استفاده شده اما در ترجمه یک مورد رنگ گرم هم

رنگ‌ها با بازخورد احساسی، برانگیزاننده، فعال و مرتعش می‌باشند. استفاده از رنگ سرد در پس‌زمینه (آبی/ بنفش/ قهوه‌ای) و رنگ‌های گرم در کاراکتر اصلی (زرد و قرمز) مشاهده می‌شود. علاوه بر این، رنگ‌ها آشنا با تفکر برانگیزی کم می‌باشند.

جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

آیا تصاویر کتاب‌ها بازخورد احساسی دارند؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
با بازخورد	۴	۴
بدون بازخورد	-	-

آیا تصاویر کتاب‌های بررسی شده برانگیزاننده است؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
برانگیزی	۴	۴
خستگی	-	-

آیا تصاویر کتاب‌های بررسی شده فعال است؟

گزینه	فارسی	ترجمه شده
فعال	۴	۴
غیر فعال	-	-

آیا تصاویر کتاب‌های بررسی شده مرتعش است؟

گزینه	کتاب‌های فارسی	کتاب‌های ترجمه شده
مرتعش	۳	۴
بدون ارتعاش	۱	-

فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۵. پایان نامه دوره کارشناسی. دانشگاه تهران. دانشکده هنرهای زیبا. حسن پور، محسن (۱۳۸۸). تصویرسازی. تهران: انتشارات فاطمی.

_____ (۱۳۷۷). بررسی آثار تصویرگران کتاب کودک انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشی هنر. دانشگاه تربیت مدرس.

خوانساری، الهام (۱۳۷۷). «بررسی کیفیت تصویر در کتاب های شعر کودکان ۱۲-۷ سال منتشر شده در سال های ۷۴-۷۰». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۲۱-۱۱۶.

رضایی، رحمت الله (۱۳۸۵). هله هوله ضرر داره واسه حسنی خطر داره. تهران: آینده علم و پویش.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۸۳). اصول و ویژگی های تصویرگری کتاب آموزشی، مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی - ۲۶. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. دفتر انتشارات کمک آموزشی.

صدری، مهرا (۱۳۶۶). بررسی کیفیت تصویر در کتاب های تصویرگری کودکان ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم.

صفرزاده، مریم (۱۳۸۹). تحلیل گفتمانی چند شعر تعلیمی و غنایی از مولوی: رویکردی سیستمی-نقشی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

عبداللهی، مهتاب (۱۳۸۲). نقش تصویر در پرورش تخیل کودکان. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده هنرهای زیبا.

قایی، زهره (۱۳۹۱). تصویرگری کتاب های کودکان: تاریخ، تعریف و گونه ها. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.

مشاهده می شود. اما در مورد کاراکتر اصلی، کتاب های نوشته شده به فارسی یک مورد بیش از کتاب های ترجمه از رنگ گرم استفاده شده است. در مورد ارتعاش رنگ هم هر چهار کتاب ترجمه مرتعش بوده اند، در حالی که یک کتاب نوشته شده به فارسی غیر مرتعش بوده است. در سایر موارد اختلافی وجود نداشته است. از آنجا که انتخاب نمونه ها در این تحقیق هدفمند بوده است، لذا تعمیم نتایج به سایر موضوعات مثلاً داستان های علمی، تخیلی، تاریخی و... باید با احتیاط صورت گیرد. البته می توان از این الگو در تحلیل رنگ تصاویر سایر ژانرها و سطوح سنی استفاده کرد. همچنین، میتوان تأثیر موضوع بر رنگ را با توجه به این الگو بررسی نمود.

منابع

آفاکل زاده، فردوس (۱۳۸۹). «کاربرد آموزه های زبان شناسی نقش گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. شماره ۲. پیاپی ۱۴۹. صص ۴۱-۱.

اکرمی، جمال الدین (۱۳۸۹). کودک و تصویر، جستارهایی در تصویرگری کتاب های کودکان و نوجوانان. جلد دوم. تهران: انتشارات سروش.

_____ (۱۳۸۴). «بررسی عناصر دیداری در تصویرگری (رنگ، بافت)». کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره ۱۱. پیاپی ۱۴۳. صص ۹۶-۷۱.

پژوهش، نوشین (۱۳۷۴). ملاک ها و معیارهای نقد و نقادی در آثار تصویرگری کتاب کودک. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی. دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

پورجم، پروین (۱۳۸۱). تاریخچه و بررسی تصویرسازی کتاب کودک در ایران از شروع فعالیت کانون پرورش

- Award, Barbara (2008). "Looking twice at illustrated books". *Reading Horizon*. 48(2). 14.
- Hannabuss, Stuart (1981). "Sources of information for childrenbook illustration". *Journal of librarianship and information science*. Vol. 13 (3). 154.
- Painter, Clare (2007). *Children's Picture Book Narratives: Reading Sequences of images*. In A. Mc Cabe, M. O' Donnell and R. Whittater (ed.) *Language and education*. London and New York: Continuum. Pp. 89-111.
- Painter, Clare (2008). *The Role of Colour in Children's Picture Books: Choices in AMBIENCE*. New Literacies and the English Curriculum. Ed. Lens Unsworth. Routledge publication.
- Painter, C.; Martin, J. R. and Unsworth, L. (2012). *Reading Visual Narratives, Image Analysis in Children's picture books*. USA: Equinox Publishing Ltd.
- Rabin, Susie (2006). *A descriptive study of how African American are portrayed in award winning African American children s picture book from 1996-2005*. Mississippi State. University Utited state.
- Tate, Kathleen (2005). *A description of the steps taken in the writing and illustrating of a childrens picture book*. Ph.D Dissertation. Kean University.
- Van Leeuwen T. & Kress, G. (2006). *Reading Images: the Grammar of Visual Design*. Routledge publication.
- کوثر احمدی، علی (۱۳۷۳). بررسی تصویرسازی در کتاب‌های کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- گراس، تونی (۱۳۸۵). *بیدی بی ادب*. ترجمه سارا قدیانی. تهران: انتشارات قدیانی.
- _____ (۱۳۸۵). *جی جی جیغ جیغو*. بازنوشته شکوه قاسم‌نیا براساس ترجمه محمدرضا مهرافزا. تهران: انتشارات قدیانی.
- _____ (۱۳۸۵). *شو شو شکمو*. بازنوشته شکوه قاسم‌نیا براساس ترجمه محمدرضا مهرافزا. تهران: انتشارات قدیانی.
- _____ (۱۳۸۵). *لی لی لیبازه*. بازنوشته شکوه قاسم‌نیا براساس ترجمه محمدرضا مهرافزا. تهران: انتشارات قدیانی.
- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۵). «فرایند آفرینش ادبیت و معنای ادبیات کودکان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. شماره ۷. صص ۲۴-۸.
- مطیع، ماندانا (۱۳۹۲). *فلغلی و شیطونک ترس*. تهران: انتشارات کیوان.
- _____ (۱۳۹۲). *فلغلی و شیطونک جیغ و داد*. تهران: انتشارات کیوان.
- مقداری، صدیقه‌سادات (۱۳۸۹). *بررسی زبانشناختی ادبیات کودک برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- موزس، برایان (۱۳۸۱). *من ترسویم*. ترجمه قاسم کریمی. تهران: انتشارات قدیانی.
- نیکوسخن، سودابه (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر رنگ در کتاب‌های داستانی کودک (گروه سنی ج)». *فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر*. شماره ۹. صص ۲۴-۲.